

لکم دینکم و لی دین

عنوان بحث: تأکید بر تفکیک میان این دو آئین کفر و ایمان

این آیه در واقع نتیجه و خلاصه ی چهار آیه ی قبلی است چون آئین و دین مجموعه ای است از موضوعات معبود و عابد و مسائل مربوط به آن. (سیر تفصیل به اجمال)

باید توجه داشت که این از تجلیات بسم الله الرحمن الرحیم است. جلوه ی اول از بسم الله الرحمن الرحیم سر می زند و در اولین آیه به صورت مجمل بیان می شود، سپس در آیات بعد تفصیل پیدا می کند و آنگاه در آخرین آیه دوباره خلاصه می شود.

پیام اصلی آیه ی «لکم دینکم و لی دین» جدیت و تأکید بر تفکیک میان این دو آئین کفر و ایمان و یا راه خدا و شیطان است. و اینکه مؤمنین باید در مسیر این انفکاک حرکت بکنند و اصل این است که دنیای آنها با دنیای کفار در تقابل باشد.

هیچ یک از ویژگیهای کفار حتی به اندازه ذره ای نباید در وجود مؤمنین باشد و اگر در درجاتی مبتلا به خصائص اهل باطل هستند جهت گیری حرکتشان باید طوری باشد که به طرف تفکیک مطلق از ایشان پیش بروند، و از هر گونه التباس و آمیختگی پرهیز داشته باشند.

تصمیم بر رفع همه ی آثار کفر و اظهار برائت از آئین کفر و باطل باید به صراحت اعلام و انجام شود ولی این اظهار فقط زبانی نیست بلکه در حقیقت سیر و حرکت قلب و جان و روح و فکر انسان را شامل می شود.

باید به این نکته توجه داشت که مؤمنین در ابتدا حرکت را بر اساس انفکاک مطلق از دنیای کفار در دو مقوله بسیار مهم یعنی شناخت معبودشان و جهت گیری در عبادت آغاز می کنند.

اگرچه که ممکن است در مسیر حرکت عملی در انطباق جزئیات دچار مشکلاتی شوند ولی این خیلی مهم است که مؤمنین در روح خودشان چنین نیتی را داشته باشند که تفکیک مطلق باشد (لکم دینکم ولی دین) و با همه وجودشان از دنیای کفار اعراض کنند . و نیت کلی جبران کننده اشتباهات جزئی می باشد.

در این مسیر قلب و اندیشه با خواسته ها و توجهات خود در سیر و حرکتند ولی چون آثار محسوس مادی ندارند ، مورد دقت و توجه ما واقع نمی شوند. خواسته ها و توجهات قلبی و فکری چنان ابعاد گسترده ای دارد که ابدیت زندگی ما را رقم می زند . از این رو پیامبر(ص) نه خود به اظهار زبانی بسنده فرموده و نه از ما خواسته است که به لفظ بسنده کنیم .

این نیت ؛ اظهار برائت و اقدام بر تفکیک از اهل باطل نیز در مراتب کفر و ایمان نسبت به مراتب مادون ایمان و توحید برای مؤمنین صادق است.

«لکم دینکم ولی دین» ارتباط و آخرین پیوندها را با منزل پائین تر قطع میکند .

انسان با اعلام «لکم دینکم ولی دین» با ساکنان منازل پائین تر خداحافظی می کند و خود را از صف آنها خارج کرده ، در صف طالبان و پاسداران منزل بالاتر قرار می گیرد.

اینها نیاز به تلاش و کوششی سخت در دنیای وجود انسان دارد تا اینکه انسان حقیقتاً بتواند از عالمی خارج شود و پیوستگیها ، تعلقات و اندیشه هایش را از مرحله ای که به آن تعلق داشته قطع بکند و تمام توجهش یکسره به مرحله عالیترا باشد.

کسی که توجهش را از دنیای فانی به حیات جاودانه ی اخروی منحصر می کند می تواند سیری در معرفت و شناخت داشته باشد و منازل را یکی پس از دیگری در سرای باقی طی کند و بالا رود ولی مشروط بر این که حالت انقطاع حاصل شده باشد.

این انقطاع ملازماتی دارد از جمله اینکه انسان باید تصمیم بگیرد هر چه که می کند با نیت و قصد جلب رضای خدا باشد .

رضای خدا یعنی رسیدن به آن معنا و جایگاه بلندی که در سوره توحید خواندیم که فطرت بی نهایت جوی انسان راضی است . این در واقع رضایت خود عالی انسان یا همان فطرت الهی اوست.

بنابراین کارهایی که ما انجام می دهیم و مربوط به امور گذرا و فانی دنیا است حقیقتاً شامل «لکم دینکم ولی دین» نمی شود .

جالب این است که ما نه حقیقتاً در حال حرکت و طی منازل انسانیت و حیات طویه انسانی هستیم و نه در فکر آن هستیم و از این نبودن هیچ حالت درد و سوزی نداریم .

شعار «لکم دینکم ولی دین» ، شعار کسی است که در مقطع مفارقت واقع شده است یعنی می خواهد در سیر روحی خود از منزلی به منزل بالاتر برود .

سیر روح همان برداشتن توجهات و دلبستگیها از مراحل پایین و گذر از عوالم وجود است که دیدنیها و عجایبی دارد که در آخرت هویدا می شود.

بنابراین اگر کسی که در حال سیر روحی و انقطاع نیست به کفار بگوید «لا اعبد ما تعبدون» در حالی که با ایشان هم پیاله و هم معبود است پاسخی جز این نخواهد گرفت که تو دروغ می گویی تو به زبان چیزی می گویی ولی عملت مطابق آنچه که ما انجام می دهیم است .

بنابراین در مواجهه ی با این سوره ی مبارکه برای اینکه انسان کلام غیر واقع نگفته باشد و ادعایی دروغین نکرده باشد ، می تواند :

✓ نیت فرد با توجه به مراتبی باشد که بالواقع در نفی معبودان باطل طی کرده است.

✓ یا می تواند جهت فطری خودش را در نظر بگیرد که خدایا من که می دانم
برحسب فطرت الهی خودم حقیقتاً بر هر که روی می آورم این جاذبه و این
کمال از توست از غیر تو نیست حقیقتاً در دیدگاه فطرت غیر تو را عبادت
نمی کنم و غیر تو را نمی پرستم چون اصلاً قوتی از آن کسی نیست که از
او استعانت بگیرم پس من را طوری هدایت کن که با اراده و با بصیرت
همین راهی را بروم که از دیدگاه فطری صحیح است .
✓ یا این کلمات را از زبان قائلش بگوید بدین صورت که خدایا این سخنی
است که فرمودی پیامبر تو اینچنین بگوید که «لا اعبد ما تعبدون»

ما نیاز داریم این سوره را هر روز بخوانیم و مضامین آن را تکرار کنیم .
باید چشمی باز کنیم و آنچه را که می پرستیم ببینیم خدایان باطلی را که در
اسارتشان هستیم ببینیم و بعد اظهار بیزاری کنیم، و با توجه به نقاط نقص و فنا
پذیری آنها به یاد بیاوریم که اینها خدای حقیقی ما نیستند .
انسان فطرتاً از محدودیت بیزار است و این توجهات تفصیلی به معنای این کلمات
است که می تواند این اظهار ناراحتی را با حقیقتی همراه کند تا واقعاً اظهار
بیزاری قلبی تحقق پیدا کند.

اگر کسی مفاد «ما» در «ما تعبدون» را به خوبی تصور و نقائص و ضعف و
زشتیهای آن را درک کند در آن صورت می تواند «لا» ی نفی را بیاورد و
بگوید «لا اعبد» زیرا فطرت انسان از نقص و زشتی و فناپذیری بیزار است.

بنابراین اگر انسان در حال غفلت این سوره مبارکه را بخواند و بگوید «لکم دینکم
ولی دین» و معنای صحیح آن را در نظر نگیرد ، آیات معنای عکس خواهد داد و
او را در همان جایی که هست تثبیت می کند.

از اینرو هر زکری را انسان در هر حالی نمی تواند بگوید و گفتن بعضی اذکار در حال غفلت خطرناک است و این تأثیر عکس داشته ، صدماتی برای انسان دارد.